

بررسی تأثیر پیش‌فرض‌های مذهبی بر ترجمه قرآن کریم

سهراب مروتی*

مینا یعقوبی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۴/۱۸

چکیده:

پیش‌دانسته‌های فکری و از جمله آنها پیش‌فرض‌های مذهبی و عقیدتی، از آفات عمل فهم به شمار می‌روند که به صورت نامرئی در لایه‌های معنایی ترجمه نفوذ کرده و خود را در هیئت حقیقت به مخاطب معرفی می‌نمایند. در صورتی که همه مذاهب و فرق اعتقادی اسلامی بخواهند قرآن را بر پایه پیش‌فرض‌های خود، ترجمه نمایند، اختلاف در ترجمه‌ها پدید می‌آید. در این پژوهش سعی شده است تا ضمن تحلیل این مسئله، با بررسی سه نمونه از آیات قرآن کریم در باب «عدل الهی»، «امامت» و «وضو» از دیدگاه سه مترجم اهل سنت یعنی ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، شاه ولی الله دهلوی و نجم الدین محمد نسفی و سه ترجمه معاصر شیعه یعنی ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای و ترجمه فولادوند، چگونگی تأثیر گذاری پیش‌فرض‌های عقیدتی بر ترجمه قرآن کریم تبیین گردد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که این پیش‌فرض‌ها به وضوح رنگ اعتقادی ترجمه‌های مذکور را تعیین و آشکار می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: پیش‌فرض‌های مذهبی، هرمنوتیک، ترجمه قرآن، عدل الهی، آیه ولایت، آیه وضو.

* دانشیار دانشگاه ایلام (نویسنده مسوول) sohrab_morovati@yahoo.com

** دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه ایلام. yaghoobi.mina@gmail.com

مقدمه:

تمایلات متافیزیکی، از جمله پیش‌فرض‌هایی هستند که قبل از ورود به هر پژوهشی، سمت و سوی موضوعات و مسائل مورد پژوهش را تعیین می‌کنند» (حیدری، ۱۳۹۰ش: ۱). پیش‌فرض‌های ترجمه قرآن کریم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته از آن را می‌توان پیش‌فرض‌هایی هستند که فهم و انتقال معنا بدون در نظر گرفتن آنها، ممکن نخواهد بود. به این نوع پیش‌فرض‌ها «مبانی ترجمه» گفته می‌شود و دسته دیگر پیش‌فرض‌هایی هستند که فهم معنا موقوف به در نظر گرفتن آنها نیست و می‌توان به راحتی آنها را کنار گذاشت (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴ش: ۵۵).

مراد از پیش‌فرض در این پژوهش، دسته دوم است که جهت‌گیری‌های فکری خاصی را به عنوان مراد خداوند به خواننده متن انتقال می‌دهد و او را از تجربه ارتباط با معنای اولیه متن محروم می‌سازد. تعدد و تنوع این پیش‌فرض‌ها بسیار است؛ گرایش‌های کلامی، فقهی، طبیعی، اعتقادی و ... از این قبیل به شمار می‌روند.

موضوع این پژوهش بررسی مورد اخیر یعنی تأثیر گرایش‌های اعتقادی و مذهبی بر ترجمه قرآن کریم می‌باشد زیرا گرایش‌های مذهبی از ابتدایی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین جهت‌گیریهای هر متدینی به شمار می‌روند که مسیر فکری و عملی وی را در حد میزان آگاهی‌ها و پایبندی‌هایش، تعیین می‌نمایند. اعتقاد به حقانیت و نجات بخش بودن تعالیم یک مکتب و اعتقاد به مستند بودن این معارف به آیات الهی، در کنار احساس مسئولیت نسبت به هدایت مخاطبان عام ترجمه و اهتمام به اقتناع مخاطبان خاص، از جمله مبانی و پیش‌فرض‌های خودآگاه یا ناخودآگاه ترجمه‌های عقیدتی به شمار می‌روند.

از این‌رو پرهیز از گرایش‌های عقیدتی در ترجمه قرآن، به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

توجه به نقش مترجم و تأثیر پیش‌فرض‌های فکری وی در ترجمه قرآن کریم، از نتایج گسترش مباحث هرمنوتیک در میان اندیشمندان اسلامی، در دهه‌های اخیر محسوب می‌گردد. در هرمنوتیک فلسفی است که ذهنیت و داوری مفسر، شرط حصول فهم است و در هر دریافتی ناچاراً پیش‌دانسته‌های مفسر دخالت دارد؛ از این رو امکان برداشت‌های مختلف از متن به وجود می‌آید (واعظی، ۱۳۸۳ش: ۲۴۸ و ۳۰۰). با این وجود، در نظریات فهم شناسانه اسلامی که به هرمنوتیک مدرن نزدیک‌تر است، ضوابط و شرایط خاصی برای مترجم قرآن کریم در نظر گرفته شده است مانند تسلط به زبان مبدا، تسلط به زبان مقصد، رعایت امانت داری و ... (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴ش: ۵۴). مطلوب‌ترین و رایج‌ترین نوع ترجمه قرآن کریم نیز که امکان انتقال حداکثر معنای این متن الهی را دارد، ترجمه محتوایی دانسته شده که در مقابل ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد قرار می‌گیرد. آنچه در ترجمه معنایی اهمیت نخست دارد پیام و محتوای متن مبدأ و ساختارهای زبان مقصد است. به عبارت دیگر از نظر معنایی معمولاً میان متن مقصد و متن مبدأ تعادل وجود دارد، اما از نظر زبانی بویژه دقایق و ظرایف لفظی: رفی و بلاغی و نحوی، تعادل کامل و کافی برقرار نیست. و این امر به سبب اعجاز بیانی قرآن کریم است که بازآفرینی آن را غیر ممکن می‌سازد.

اما همین خصوصیت منحصر به فرد قرآن و سبک ویژه آن در بیان معانی است که مترجم را ناگزیر می‌سازد تا برای انتقال پیام الهی، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از پیش‌دانسته‌هایش در امر ترجمه بهره‌گیرد. «پیش‌فرض عبارت است از آنچه در آغاز هر پژوهش، اقامه برهان یا بحثی، بدیهی و پذیرفته شده تلقی می‌گردد. نگرش به هستی، انسان، دانش و دیگر

۱. عدل الهی: از مواضع اصلی اختلاف شیعه و سنی، بحث بر سر عدالت خداوند می‌باشد، به گونه‌ای که شیعه آن را از اصول اعتقادات خود به شمار می‌آورد. یکی از بسترهای پیدایش بحث عدل الهی آیات موهم جبر است. زیرا با وجود اعتقاد به اجبار انسان، مجازات و عقاب الهی نوعی ظلم محسوب می‌گردد! از این رو به بررسی یکی از این آیات پرداخته می‌شود تا تفاوت عملکرد مترجمان شیعه و سنی را در این باب تبیین نماییم.

در آیه چهار سوره ابراهیم (ع) آمده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلْسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابراهیم/۴) - ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی: ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند و او توانا و حکیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش: ۱/۲۵۵).

- ترجمه الهی قمشه‌ای: و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم مگر به زبان آن قوم تا بر آنها (معارف و احکام الهی را) بیان کند، آن گاه خدا هر که را خواهد به ضلالت وا می‌گذارد و هر که را خواهد به مقام هدایت می‌رساند و او خدای مقتدر داناست (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰ش: ۱/۲۵۵).

- ترجمه فولادوند: و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و اوست ارجمند حکیم (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۵۵).

نکته قابل توجه، در عبارت «فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» نهفته است. هَدَى: به معنای روشن

۱. وحدت ترجمه‌های قرآن، به جای استفاده از آن برای اثبات حقانیت مذهب خود و دامن زدن به اختلافات، می‌تواند یکی از راهکارهای بسیار مهم در ایجاد تفاهم و وحدت در میان مسلمانان باشد.

۲. وحدت رویه در ترجمه قرآن کریم و اجتناب از پیش‌فرض‌های فکری و عقیدتی، در فرایند تبلیغ اسلام نیز آثار و برکات بیشتری خواهد داشت. زیرا این اطمینان را به مخاطبان خود می‌دهد که آنچه فهمیده‌اند مطابق با متن قرآن و فهم همگانی از کلام الهی می‌باشد.

۳. طرح این مسئله و شناخت چگونگی تأثیرگذاری معارف عقیدتی بر ترجمه‌های قرآن کریم، می‌تواند محققان و مترجمان را به منظور تدبیر راهکارهای علمی و عملی به تلاش و تأمل وادارد. از این رو به بررسی چند نمونه از این تأثیرگذاری‌ها در ترجمه‌های دو مکتب شیعه و اهل سنت خواهیم پرداخت.

تحلیل مسئله:

اختلافات مهم و اساسی فرق اسلامی، یا بر سر اصول اعتقادی و یا احکام عملی می‌باشد. از این رو به منظور روشن شدن این مسئله که آیا گرایش‌های اعتقادی مترجم در ترجمه تأثیرگذار است یا خیر؟ یک آیه از قرآن کریم در ارتباط با «عدل الهی» به منزله شاخه‌ای از مباحث خداشناسی و یک آیه در رابطه با «امامت» به عنوان فرعی بر مسئله نبوت و در نهایت آیه‌ای درباره کیفیت «وضو» که از موضوعات احکام عملی محسوب می‌گردد را انتخاب نموده و از دیدگاه سه مترجم شناخته شده اهل سنت یعنی؛ ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، شاه ولی‌الله دهلوی و نجم‌الدین محمد نسفی و سه ترجمه معاصر شیعه یعنی ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، و ترجمه فولادوند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و ترجمه‌های آنها تحلیل تطبیقی خواهد شد.

از آن محروم می‌نماید. به عبارت دیگر، گویی می‌خواهد با تعبیر «بی راه گذاشتن» از بار منفی فعل «فُضِّلُ» بکاهد. اکنون به ترجمه‌های اهل سنت از این آیه نظر می‌کنیم:

- ترجمه رشیدالدین میبیدی: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ وَ نَفَرَسْتَادِيمُ هِيَجُ فَرَسْتَادِهْ اِي، «إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» مگر به زبان قوم او، «لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» تا پیدا کند ایشان را [پیغام من]، «فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ» تا گمراه کند الله او را که خواهد، «وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» و با راه آرد او را که خواهد، «وَهُوَ الْعَزِيزُ» و اوست تاونده با هر کاونده و بهیج هست (میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۲۲۱/۵).

- ترجمه دهلوی: و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او تا بیان کند برای ایشان پس گمراه سازد خدا هر کرا خواهد و راه نماید هر کرا خواهد و اوست غالب با حکمت (دهلوی، ۱۴۱۷: ۵۴۸/۱).

- ترجمه نسفی: و نفرستادیم هیچ پیغامبری به قومی مگر به زبان ایشان، از بهر بیان ایشان فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ گمراه گرداند خدای تعالی هر کرا خواهد، و راه راست دهد آن را که خواهد وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و وی است عزیز در هر چه خواهد، و صواب کار در هر چه کند (نسفی، ۱۳۶۷ش: ۴۸۱/۱).

از آنجا که غالب اهل سنت با نظریه جبر الهی موافقتند، مشاهده می‌شود که ترجمه‌های مورد اشاره نیز بدون هیچ گونه شرح و توضیحی به ترجمه معنای ظاهری آیه و دو عبارت «فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» اکتفا نموده‌اند که این امر می‌تواند حاکی از تأثیرپذیری آنان از اندیشه مورد بحث باشد.

۲- امامت: مهم‌ترین بستر اعتقادی و تاریخی انشعاب مسلمانان به دو گروه شیعه و سنی، اختلاف بر سر جانشینی پیامبر و به دست آوردن مقام هدایت امت می‌باشد. به همین جهت است که شیعه امامت را نماد

ساخت؛ می‌باشد. هنگامی که گفته می‌شود: برای تو هدایت کردم؛ یعنی برای تو روشن نمودم. هادی، یکی از اسماء خداوند متعال است. ابن اثیر می‌گوید: او کسی است که بندگان را بینا ساخت و راه شناخت خویش را به آنان شناساند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۵ / ۳۵۶-۳۵۴). در مقابل هدایت، ضلالت قرار دارد. راغب گوید: «الضَّلَالُ: العدول عن الطَّرِيقِ المستقيم و يَضَاهُ الهداية» قول صحاح و قاموس و اقرب و نهاییه نیز قول راغب است. و اینکه بعضی هلاکت، و گم شدن، و باطل و فضیحت را از معانی ضلال شمرده‌اند، اینها لازم معنای اولی است که همان انحراف باشد (قرشی، ۱۳۷۱ش: ۱۹۲/۴). از این رو می‌توان گفت که «يُضِلُّ» به معنای گمراه و منحرف می‌کند و «يَهْدِي» به معنای آگاه می‌سازد و راه را نشان می‌دهد؛ است.

بر همین اساس، انتظار می‌رود که در برگردان فارسی دو واژه مورد نظر، این معانی به‌تمامه، به خواننده منتقل گردد. اما از آنجا که اطلاق بی قید و شرط هدایت و ضلالت بندگان به خداوند، توهم جبر الهی را به دنبال دارد، در هر سه ترجمه شیعی فوق، سعی شده است تا به گونه‌ای این توهم از ساحت خداوند متعال زدوده شود. ترجمه اول با افزودن توضیح «استحقاق» برای گمراه شوندگان و «شایستگی» برای مهتدین در داخل کمانک، خواسته است تا خواننده را به شروط لازم جهت هدایت و إضلال بندگان توسط خداوند متوجه نماید.

در ترجمه دوم، ضمن مثبت انگاشتن هدایت الهی برای هر کدام از بندگان خدا که باشد و تصریح بی قید به آن، با آوردن فعل «وا می‌گذارد» به گونه‌ای نامحسوس، ضلالت را به خود بنده نسبت می‌دهد و فعل «يُضِلُّ» را عملاً ترجمه نمی‌کند. در ترجمه آخر نیز تلویحاً هدایت را نعمتی دانسته است که خداوند برخی را

هویت خود و یکی از اصول اعتقادی خویش قرار داده است و برای اثبات عقاید خود در این زمینه، به آیات متعددی از قرآن کریم استناد می‌جوید. یکی از این آیات که به آیه ولایت معروف است را از دیدگاه مترجمین فریقین مورد بررسی قرار می‌دهیم:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»
(مائده/۵۵)

- ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی: سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش: ۱۱۷/۱).

- ترجمه الهی قمشه‌ای: ولیّ امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند (به اتفاق مفسران مراد علی علیه السلام است) (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰ش: ۱۱۷/۱).

- ترجمه فولادوند: ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۱۱۷/۱).

در تجزیه و ترکیب این آیه، به دست می‌آید که کلمه «انما» از جمله ادات حصر، «واو» پیش از «الذین» واو عطف و واو آخر نیز «حالیه» می‌باشد (صافی، ۱۴۱۸ق: ۳۸۶/۶). شیعه با در نظر گرفتن این نکات و اتخاذ کلمه «ولی» به معنای سرپرست و رهبر و نیز با استناد به شواهد تاریخی، چنین نتیجه می‌گیرد که ترکیب «الذین ءامنوا» در آیه فوق، در مصداق امام علی علیه السلام خلاصه می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۴۲۳/۴). به همین دلیل است که هر سه ترجمه مذکور،

ضمن نشان دادن انحصار با آوردن کلمه «تنها»، واژه «ولی» را به معنای سرپرست، رهبر و ولیّ امر در نظر گرفته و «الذین ءامنوا» را عطف به ما قبل نموده و بر قید حالت رکوع در اعطاء ذکات تصریح کرده‌اند. حتی مرحوم قمشه‌ای با توضیح داخل کمانک، به معنای مورد نظر شیعه تصریح نموده‌اند! این در حالی است که در ترجمه‌های اهل سنت، اینگونه نیست.

- ترجمه رشیدالدین میبیدی: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ خدایند و کارساز و یار شما و همدم شما الله است و رسول وی، وَالَّذِينَ آمَنُوا و پس مؤمنان، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ آنان که نماز بیای میدارند، وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ و زکاة مال می‌دهند، وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵)، و ایشان پشت خم دادگان (میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۱۴۲/۳).

- ترجمه دهلوی: جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مومنانی که بر پا میدارند نماز را و می‌دهند زکوة را و ایشان پیوسته نمازگزارند (دهلوی، ۱۴۱۷ق: ۲۴۹/۱).

- ترجمه نسفی: دوست شما خدای تعالی است و رسول وی و مؤمنان، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ آنهاند که نماز کنند و صدقه دهند در آن حال که ایشانند راکعان (نسفی، ۱۳۶۷ش: ۲۲۲/۱).

اختلال در هر کدام از سه نکته نحوی مذکور و معنای لغوی کلمه «ولی»، ترجمه را از معنا و مصداق مورد نظر آن دور می‌سازد و این گونه وارونه کردن تعبیر در ترجمه‌های فوق مشاهده می‌گردد. زیرا در هیچ کدام از آنها به وضوح، حصر آیه ترجمه نشده است. همچنین کلمه «ولی» به دوست، همدم و کارساز برگردان شده و به جز ترجمه آخر، قید حالت از رکوع حذف گردیده و حتی با تحویل «و هم راکعون» به «ایشان پشت خم دادگان» و «پیوسته نمازگزارانند»، واقعه تاریخی و در نتیجه مصداق خاص آیه را محو نموده‌اند.

آیت‌الله طباطبایی در توضیح وجه دوم می‌فرماید: «در جمله «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ» کلمه رءوس هر چند که به ظاهر مجرور به حرف جر است، ولی موضعش موضع مفعول برای فعل «امسحوا» است، (چون می‌فرماید سر خود را مسح کنید)، و چون موضع کلمه رءوس نصب است، کلمه «ارجل» نیز باید به نصب خوانده شود، در نتیجه از کلام آیه می‌فهمی که در وضو واجب است صورت و دو دست را بشویی، و سر و دو پا را مسح کنی، و هرگز به خاطر خطور هم نمی‌کند که از خودت بررسی چطور است ما کلمه «ارجلکم» را برگردانیم به کلمه «وجوهکم» که در اول آیه است، زیرا خودت در پاسخ خودت می‌گویی حکم اول آیه یعنی شستن بخاطر آمدن و فاصله شدن حکمی دیگر (یعنی مسح کردن) بریده شد، آری طبع سلیم هیچ گاه حاضر نیست کلامی بلیغ چون کلام خدای عز و جل را جز بر چنین معنایی حمل کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵/۳۶۰).

از مطالب فوق به دست می‌آید که مفهوم (تفسیر) این عبارت از دیدگاه اهل سنت، چنین است: و پاهایتان را تا برآمدگی آنها بشوید. و از منظر شیعه، چنین خواهد بود: و پاهایتان را تا برآمدگی آنها مسح کنید. تصریح به «مسح پاها» در ترجمه‌های شیعه و «شستن» آنها در ترجمه‌های اهل سنت، نشأت گرفته از این اعتقاد است. در ادامه به برخی از نمونه‌های تفسیر اهل سنت اشاره می‌شود. لازم به تذکر است در هر سه ترجمه فوق، تأثیر پیش‌فرض‌های عقیدتی در انتقال معنای آیه دیده می‌شود.

- ترجمه رشیدالدین میبدی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای ایشان که بگرویدند، إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ چون از خواب بر نماز خیزید (خوابی که چشم و دل پر کند)، فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ رُءُوسَكُمْ بِمَاءٍ طَهُورٍ حَتَّىٰ تَمْسَحُوا بِأَيْدِيكُمْ وَتَمْسَحُوا بِأَرْجُلِكُمْ وَتَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ بِمَاءٍ طَهُورٍ حَتَّىٰ تَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ

۳- وضو: در بسیاری از اختلافات فقهی نیز، فریقین به آیات قرآن کریم استناد می‌کنند. در اینجا به عنوان نمونه به آیه کیفیت وضو اشاره می‌کنیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده/۶)

- ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید: صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوید! و سر و پاها را تا مفصل (برآمدگی پشت پا) مسح کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش: ۱/۱۰۸).

- ترجمه الهی قمشه‌ای: ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دستها را تا مرفق (آرنج) بشوید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰ش: ۱/۱۰۸).

- ترجمه فولادوند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به (عزم) نماز برخیزید: صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین (هر دو پا) مسح کنید (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۰۸).

مورد اختلاف در ترجمه این آیه، در عبارت «وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» نهفته است که آیا به فعل «اغسلوا» برمی‌گردد یا به فعل «امسحوا»؟ در تفاسیر اهل سنت، اغلب وجه اول پذیرفته شده است: «وَأَرْجُلِكُمْ: يقرأ بالنصب، وفيه وجهان: أحدهما، هو معطوف على الوجوه والأيدي أي فاغسلوا وجوهكم وأيديكم وأرجلكم وذلك جائز في العربية بلا خلاف و السنة الدالة على وجوب غسل الرجلين تقوى ذلك. و الثاني، أنه معطوف على موضع برؤوسكم والأول أقوى، لأن العطف على اللفظ أقوى من العطف على الموضع» (عکبری، بی تا، ج ۱/۱۲۳).

به مخاطب اجازه داده شود تا همانطور که یک عرب زبان، در خوانش متن احیاناً با ابهامات و تعلیق‌هایی مواجه می‌شود، خواننده ترجمه قرآن نیز این مسائل را تجربه نماید و ضرورتی ندارد که همه چیز برای او آشکار و تبیین گردد. بلکه این نکات ابهام و سوال را می‌بایست در علم تفسیر جستجو نمود. با چنین دیدگاهی می‌توان از بسیاری از دخالت پیش‌دانسته‌های مترجم در ترجمه قرآن کریم، جلوگیری به عمل آورد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- اسلامی، سیدحسن (۱۳۸۵ش)، *وظیفه مترجم؛ ترجمه یا تفسیر*، بینات. سال ۱۳، شماره ۵۰ و ۴۹.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰ش)، *ترجمه قرآن*، قم: انتشارات فاطمة الزهراء.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۹۰ش)، *پیش‌فرضهای معرفت‌شناختی علم سنجی*، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۵۳، جلد چهاردهم.
- دهلوی، شاه ولی الله (۱۴۱۷ق)، *ترجمه قرآن*، مدینه: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشريف.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۴ش)، *شرایط مترجم قرآن*، فصلنامه پیام جاویدان، شماره ۶.
- رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ش)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ق)، *الجدول فی اعراب القرآن*، بیروت: دار الرشید مؤسسه الإیمان، چاپ چهارم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بِرُؤْسِكُمْ و سرهای خویش را مسح کشید، وَ أَرْجُلِكُمْ و دو پای خویش (بشوئید) (میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۳۰/۳).

- ترجمه دهلوی: ای مسلمانان چون برخیزید بسوئی نماز پس بشوئید روی خود را و دست‌های خود را تا آرنج و مسح کنید سر خود را و بشوئید پای‌های خود را تا شتالنگ (دهلوی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۹/۱).

- ترجمه نسفی: ای مؤمنان چون خواهی که به نماز برخیزی، و شما محدث باشی، فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ رُوبِهَاتَانِ و دست‌ها را تا آرنجها بشوی، وَ امْسَحُوا بِرُؤْسِكُمْ و بعض از سرها را مسح کنی، وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ و پایها را تا کعبه‌ها را بشوی (نسفی، ۱۳۶۷ش: ۲۰۶/۱).

نتیجه‌گیری

هدف ترجمه، انتقال همان مفاهیم روشن که برای خواننده معمولی در بدو نظر آشکار می‌گردد، به زبان دیگری است. از این رو با توجه به ماهیت ترجمه و تفاوت آن با تفسیر، ضرورتی ندارد که مترجم بکوشد تا ابهامات اصلی متن را روشن کند و تلاشی بیش از نویسنده متن از خود نشان دهد (اسلامی، ۱۳۸۵ش: ۱۱). همچنانکه در ترجمه آیه ۴ سوره ابراهیم (ع)، مترجمان شیعه بهتر است با پرهیز از توضیح، تشریح و تقیید ترجمه، از تحمیل عقاید خود به مخاطب آیه اجراز نمایند. مترجمان اهل سنت نیز، با لحاظ حصر و عطف و کیف موجود در آیه ۵۵ سوره مائده، معنا و مفهوم آن را فدای پیش‌فرض‌های اعتقادی خود نکنند. همچنین در آیه مربوط به کیفیت وضوء نیز هر دو گروه می‌توانند با تنقیح پیش‌فرض‌های خود، از بیان مرجع فعل «و ارجلکم إلى الکعبین» صرف نظر نموده و توضیح این مسئله را به علم تفسیر یا فقه واگذارند. بنابراین می‌توان گفت که ترجمه قرآن می‌بایست بر اساس دقایق بلاغی و نحوی و سبک ویژه قرآن صورت گیرد و

- عکبری، عبدالله بن حسین (بی تا)، *التبیین فی اعراب القرآن*، عمان: بیت الافکار الدولیه.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، *ترجمه قرآن*، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم.
- کچویان، حسین؛ شاریج: باح الدین (۱۳۸۳ش)، *بررسی شرایط مترجم قرآن (با توجه به دیدگاه*
- آیه‌الله معرفت). ماهنامه بازتاب اندیشه، شماره ۴۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش)، *ترجمه قرآن*، قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد (۱۳۶۷ش)، *تفسیر نسفی*، تهران: انتشارات سروش.
- واعظی، احمد (۱۳۸۳ش)، *درآمدی بر هرمنوتیک*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.